

اینجا لندن است...

لندن فرامی خواند

شهرهای کوچک دوردست را.

حالا که جنگ اعلام شده و نبرد به راه افتاده

لندن اهالی اعماق را فرا می خواند.

پسران! دختران!

همه از گوشه های دنج بیرون بیایید

لندن شما را فرا می خواند، نظاره گر نباشید...

عصر یخبندان می آید، انگار عدسی خورشید باز می شود

موتورها از کار می افتند و گندم زارها از نفس

یک خطای هسته ای رخ داده،

ولی نمی ترسم.

لندن غرق می شود

و من کنار رودخانه زندگی می کنم.

....

این فراخوان گروه پانک - راک Clash (کلش) است که جوانان دوردست را فرا می خواند. Clash به معنی تضاد، منافات، درگیری، تصادم....

«کلش» صدای جوانان شورشی و «پانک» لندن در اوایل سال های ۱۹۸۰ بود. تصادمی که نه اتفاقی بود و نه سطحی. آن ها شاعرانی شورشگر بودند با این باور که «جوانی موقعیت پایداری نیست. از نظر دولت، تصادم بین حکومت کننده و حکومت شونده بسیار خطرناک تر و اساسی تر از تصادم نسل هاست». در ترانه «لندن فرا می خواند» از مسابقه تسلیحاتی و عواقبش می گفتند و از گرسنگی در آفریقا. علیه جنگ زبان می گشودند و جوانان را فرا می خواندند که از رخوت اعتیاد بیرون بیایند و راه مبارزه را برگزینند...

نزدیک به سی سال بعد، امروز کمیته برگزاری المپیک لندن از موسیقی بدون کلام این ترانه پر انرژی برای تبلیغ این رخداد بزرگ بین المللی استفاده می کند. شاید مسئولین گمان می کنند که فقط خط اول (یا عنوان) این ترانه در ذهن مردم باقی مانده است و آن کلام شورشی را نمی شناسند یا فراموش کرده اند. شاید هم فکر می کنند محتوای ترانه

«لندن فرامی خواند» شامل مرور زمان شده و دیگر از شورش بیکاران و ساکنان مجتمع های فقیرنشین دولتی و اعتصابات عظیم کارگری سال های ۱۹۸۰ خبری نیست. شاید بر این باورند که ریتم تند این ترانه، امروز فقط باعث شادی و تحرک جوانان می شود.

ولی المپیک ۲۰۱۲ برای توده های فقیر و گرفتار بحران در لندن مایه پایکوبی نیست. بزم اصلی برای حاکمان و صاحبان سرمایه و قدرت بر پا شده. برای کسانی که با انحصارگری و سرکوب، شرایط سودآوری بیشتر سرمایه را تضمین می کنند....

بازی های المپیک به تبلوری از قدرت و تمرکز سرمایه های بزرگ امپریالیستی تبدیل شده است؛ و نیز به صحنه رقابت و برتری جویی ایدئولوژیک قدرت های بین المللی. حلقه های متصل المپیک، نه نماد همبستگی بین المللی مردم دنیا که تداعی کننده حلقه های سلطه و انحصار در نظام به هم پیوسته و گلوبالیزه است. آمار و ارقام اقتصادی به کنار، کافی است به مقررات حاکم بر دهکده المپیک نگاه کنید:

– بردن هر گونه «بطری یا ظرف که از شیشه یا سایر مواد ساخته شده باشد...» به دهکده ممنوع است. اگر کسی به این فکر است که پیشاپیش بطری آبی تهیه می کنم و برای رفع گرسنگی ساندویچ درست می کنم و به تماشای مسابقات می روم بهتر است به خود زحمت ندهد. طبق مقررات ورود «هر گونه غذا و نوشابه های الکلی و غیر الکلی» به استادیوم ها ممنوع است. تنها خوراکی هایی که می توان با خود برد «شیر بچه و دارو» است. اگر احیانا گرسنه یا تشنه شده اید باید پולتان را به جیب انحصاراتی بریزید که مقامات برگزاری المپیک برای تان تعیین کرده اند. مک دونالد یکی از اسپانسرهای المپیک لندن است. خنده دار است؛ المپیکی که به «سبز» بودنش و معماری بازیافتی اش می نازد از شما دعوت می کند مشتری مک دونالد شوید که برای تغذیه گاوهایش جنگل های باران زای برزیل را هکتار هکتار نابود می کند و به جایش سویا می کارد. همان مک دونالدی که پیشتاز و نماد غذاهای ناسالم «فست فود» و مولد چاقی و بیماری های مختلف در سراسر جهان است.

خدمات المپیک به سرمایه داری بزرگ انحصاری به اینجا ختم نمی شود. لندن ۲۰۱۲ شیوه هایی ابتکاری برای تضمین سودهای کلان در پیش گرفته است:

– از سال ۲۰۰۶ قانونی تحت عنوان «حق وابستگی به المپیک لندن» به تصویب رسیده. این قانون به مقامات المپیک این «حق» (یا قدرت) را داده که جلو هر شخص یا نهادی که بخواهد به طور غیر مجاز خود را به بازی های المپیک لندن مرتبط کند را بگیرند. برای این کار لیستی دو ستونه تهیه کرده اند: الف و ب. لیست الف شامل واژه هایی نظیر بازی ها، دوهزار و دوازده، ۲۰۱۲ و بیست دوازده است. لیست ب شامل کلماتی

نظیر لندن، مدال، اسپانسر، طلا، نقره، برنز و حتی لغت تابستان است. استفاده از دو کلمه از لیست الف، یا یک کلمه از لیست الف به علاوه یک یا دو کلمه از لیست ب ممنوع است! هیچ مغازه دار یا تولید کننده ای حق ندارد از این گونه ترکیب کلمات برای جلب مشتری استفاده کند و در صورت تخلف تا ۲۰۰۰۰ پوند جریمه خواهد شد (و این کار به عنوان سابقه ارتکاب جرم در پرونده اش ثبت خواهد شد).

– به همراه داشتن «وسایل مارک دار، یا وسایلی که علائم و پیام های تبلیغاتی بر روی آن ها درج شده (مانند کلاه، تی شرت و کیف و غیره)» ممنوع است. در دهکده المپیک یک گشت ویژه تحت عنوان «دستجات حمایت از مارک ها» درست کرده اند که مواظبند کسی با تی شرت یا کیفی که روی آن علائم و آگهی های غیر اسپانسوری درج شده در محوطه چرخ نزند!

البته انحصار تجاری فقط بخشی از دغدغه مسئولین المپیک است.

لیست ممنوعیت های المپیک ۲۰۱۲ نشان می دهد که میدان تخیل مسئولین چقدر وسیع است. فکر هر چیزی را که ممکن است به شرکت کنندگان امکان بدهد در نظم دلخواه آنان اختلال ایجاد کند کرده اند: از «پول خرد زیادی» گرفته تا «کیف های بزرگ» و «فندک» ممنوع است. به همراه داشتن هر گونه نوشته و پلاکارد و پارچه ای که محتوای سیاسی اجتماعی داشته باشد ممنوع است. به علاوه در آیین نامه رسمی فروش بلیط بازی ها این نکته زیر تیترا «رفتار ممنوعه» درج شده که «هر گونه فعالیت و اعتراض در ارتباط با اتحادیه ها، موضوعات سیاسی یا مذهبی...» خلاف قانون است.

یک حصار الکتریکی به مسافت بیش از ۱۷ کیلومتر دور تا دور دهکده کشیده اند که به آن برق ۵۰۰۰ ولت وصل است. روی این حصار ۹۰۰ دوربین مدار بسته مجهز به مادون قرمز برای دید در شب سوار کرده اند. هدف از این تدبیر امنیتی جلوگیری از ورود «افراد متخاصم» به محوطه عنوان شده است. ولی داستان به اینجا ختم نمی شود. «برادر بزرگ» تور اصلی اش را در سطح شهر لندن پهن کرده است. سیستم نظارت پلیسی لندن از نظر تعداد دوربین های کاشته شده در معابر عمومی نسبت به تعداد شهروندان، در دنیا اول است. حالا پلیس با استفاده از بودجه امنیت المپیک این سیستم را پیشرفته تر و کارآمد تر کرده. اسکنرها، کارت های شناسایی بیومتریک، دوربین های مدار بسته جدید با نرم افزارهای پیشرفته که توانایی خواندن شماره ماشین و شناسایی قیافه را دارند، سیستم های شناسایی بیماری و ... را به کار انداخته اند. جالب این است که هر گونه فیلم برداری، عکس گرفتن و ضبط صدای بازی ها و مراسم بدون اجازه اکیدا ممنوع است و جریمه و مجازات در پی دارد، اما دولت بدون اجازه حرکات همه شهروندان را – فعلا فقط در عرصه عمومی – تحت نظر دارد و از آن فیلم می گیرد.

امروز تعداد نظامیان انگلیسی در لندن که به عنوان بخشی از نیروی امنیت المپیک عمل می کنند ۱۳۵۰۰ نفر است یعنی بیشتر از تعداد نظامیان این کشور در افغانستان. کل نیروهای امنیتی المپیک به ۴۸۰۰۰ نفر می رسد. به نوشته روزنامه گاردین «ماموران می توانند هر کس را که به نظرشان رفتار ضد اجتماعی دارد، در اطراف ایستگاه های راه آهن پرسه می زند، گدایی می کند، گرم کن کلاه دار به سر دارد و علاف است، یا به هر دلیلی به نظر می آید می خواهد ایجاد مزاحمت کند مورد بازجویی و بازرسی قرار دهند». قانون بازی های المپیک لندن که در سال ۲۰۰۶ تدوین شده استفاده از نیروی قهر برای مقابله با اعتراضات را مجاز شمرده است. به نظر نمی رسد که بعد از پایان المپیک این بندها را از قوانین پاک کنند و دوربین ها را به انبار باز گردانند.

همه این تدابیر معنایی جز کنترل نظامی شهر یا برقراری یک وضعیت اضطراری اعلام نشده ندارد. از جنگ جهانی دوم به این طرف لندن هیچگاه چهره ای چنین نظامی نداشته است. در سراسر روزهای المپیک یک ناو هواپیما بر در رودخانه تیمز لنگر انداخته. هواپیماهای بدون سرنشین در آسمان شهر جولان می دهند. هواپیماهای جنگنده در پایگاه نیروی هوایی سلطنتی آماده پروازند. سیستم های موشکی زمین به هوا بر سقف آپارتمان های مشرف به استادیوم سوار شده است. نصب سیستم های دفاع موشکی بر ساختمان های محل زندگی بیش از ۷۰۰ خانوار اعتراض ساکنین این خانه ها را که هیچ انتخابی در این زمینه نداشتند برانگیخت. مقامات دولت برای دلجویی از آنان اطلاعیه ای منتشر کردند و اطمینان دادند که خطری متوجه ساکنین نیست و «این موشک ها به طور شبانه روزی توسط ۱۰ سرباز غیر مسلح محافظت می شوند و احتمال قوی وجود دارد که دسته ای از پلیس های مسلح هم در صحنه حاضر باشند تا از این سربازان غیر مسلح محافظت کنند.» اما این اطلاعیه نگرانی شهروندان را از خطری که در صورت شلیک موشک متوجه شان بود بر طرف نکرد. بسیاری می گفتند وقتی که در خاورمیانه، دولت های محلی برای مقابله با بمباران های هوایی ناتو روی بعضی از مجتمع های مسکونی موشک نصب می کنند دولت انگلستان داد و قالش هوا می رود که شهروندان و غیر نظامیان را به خطر انداخته اید و حقوق بشر رعایت نمی کنید! کار خودشان فرقی با آن ندارد.

البته هیچ سیستم امنیتی در دنیا وجود ندارد که سوراخ نداشته باشد و نتوان در آن رخنه کرد. همانطور که نشریه معتبر «فوربز» نوشته به نظر می آید که اقدامات امنیتی دولت انگلیس بیش از هر چیز یک تاکتیک ارباب است. علیرغم تبلیغاتی که در مورد «مقابله با تروریسم» و «خطر حمله القاعده به المپیک» و غیره می کنند هدف اصلی حاکمان، ارباب توده های فرودست کوچه و خیابان است. همان توده هایی که بیش از ۲۴ میلیارد پوند (و به گفته ای ۴۹ میلیارد) از پول مالیاتشان خرج المپیک شده و هیچ نفعی عایدشان نمی شود. همان ها که در عرض هفت سال تدارک المپیک لندن مرتبا از امکانات رفاهی و فرصت های شغلی شان

کاسته شده است. همان توده هایی که نسل جوانش سال قبل لندن و چند شهر دیگر انگلستان را بخشا به علت انزجار از همین ولخرجی ها و در اعتراض به وضعیت کار و معاش به آتش کشید.

تضادهایی که گروه موسیقی «کلش» بر آن انگشت می گذاشت هنوز صحنه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی انگلستان (و سایر کشورهای دنیا) را رقم می زند. فراخوان «کلش» هنوز کهنه نشده. هنوز دختران و پسران باید از گوشه های دنج بیرون بیایند. زمان نظاره گذشته است.

سیما توکلی

«نشریه آتش»

دوم آگوست ۲۰۱۲